



حسین زرینی

## میرزا محمد ناظم‌العلماء

### نماینده ی نهاوند در اولین دوره ی مجلس شورای ملی

#### اشاره:

جناب آقای حسین زرینی، دانشجوی دکترای رشته ی تاریخ، که در شماره های قبلی فرهنگان نیز، مقالاتی پژوهشی در حوزه ی تاریخ معاصر نهاوند داشته اند، این بار، ضمن پذیرش عضویت در هیئت تحریریه ی مجله، اعلام آمادگی کردند تا عملکرد نمایندگان شهرستان نهاوند در مجلس شورای ملی و سپس اسلامی را به تدریج نقد و بررسی کنند. با تشکر از ایشان، اولین بررسی پژوهشی در این زمینه از نظر تان می گذرد.

«فرهنگان»

#### چکیده

با پیروزی انقلاب مشروطیت در سال ۱۳۲۴ ه ق (۱۲۸۵ ه ش) مردم ایران به یکی از آرزوهای دیرینه ی خود، که ایجاد عدالت خانه و تشکیلاتی جهت لگام زدن بر قدرت خودکامه ی شاه و در کل مشارکت در سرنوشت خود بود، نائل آمدند. این آرزو در قالب مجلس شورای ملی تبلور یافت. این که نهاد جدید تا چه حدود در دست یابی به اهداف خود موفق بود و توانست انتظارات مردم را برآورده سازد، در حوزه ی بررسی این نوشتار نیست.

در این مقاله سعی شده است سهم و نقش نهاوند، که یکی از شهرهای قدیمی و

تاریخی و پاره‌ای از ایران زمین است و مردمش همان انتظارات را از قوه مقننه داشتند، بررسی شود. به همین منظور، از دریچه‌ی مذاکرات مجلس و سهم نماینده‌ی وقت شهرستان در نطق‌ها و شرح مشکلات حوزه‌ی انتخابیه‌اش به موضوع نگاه شده است.

**کلمات کلیدی:** نهاوند، مجلس شورای ملی، میرزا محمد ناظم‌العلماء، مذاکرات

### پیش‌گفتار

آن چنان که در فرهنگان ۲۷ و ۲۸ وعده داده شده بود، صاحب این قلم قصد دارد با توکل بر خداوند به بررسی عملکرد نمایندگان نهاوند در مجالس شورای ملی و اسلامی بپردازد. هم‌چنان که در منبع مذکور نیز اشاره شده، عمده‌ترین هدف از این کار بازکای جایگاه نهاوند در عالی‌ترین تشکیلات قانون‌گذاری کشور است. جایی که نماینده‌ی مردم نهاوند می‌توانسته در آن نقشی مثبت، منفی و یا خنثا ایفا نماید.

نگارنده در این پژوهش‌ها درصدد تخریب شخصیت یا طرفداری از هیچ شخصیتی نیست. فقط می‌خواهد، براساس مذاکرات مجلس که مجموعه‌ی آن‌ها در هر دوره جمع‌آوری و صحافی شده است و در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد، بداند و به آگاهی خوانندگان، به خصوص همشهریان، برساند اشخاصی که روزگارانی نمایندگی مردم نهاوند را در قوه‌ی مقننه داشته‌اند با جایگاه شغلی خود چه نوع تعاملی داشته‌اند. آیا از آن به نفع سیستم قانون‌گذاری کشور یا مردم حوزه‌ی انتخابیه‌ی خود بهره‌برداری کرده‌اند و یا خدای ناکرده وظایف خود را فراموش نموده و فقط فرصتی را از افراد شایسته‌تر گرفته و دوره‌ی را غیرمسئولانه به سرآورده‌اند؟

نظر به این که عمده‌ترین رسالت این نوشتار بررسی عملکرد نمایندگان در مجلس براساس مجموعه مذاکرات تدوین شده مجلس است، مسلم است اقداماتی

که نمایندگان در خارج از حوزه ی مجلس انجام داده‌اند و در این بررسی به آن‌ها دسترسی نبوده است، از قلم خواهد افتاد. بدیهی است اگر نگارنده به اطلاعاتی از این گونه اقدامات نمایندگان دست یابد، آن‌ها را از قلم نخواهد انداخت. امید است پژوهشگران دیگر این حوزه با موشکافی بیش‌تر به بررسی همه‌سویه ی عملکرد نمایندگان خود پردازند. باشد که حداقل افرادی که از این پس در این جایگاه رفیع قرار می‌گیرند، حرمت جایگاه خویش و افکار عمومی حال و آینده را بیش‌تر قدر بدانند و خود را نماینده و وامدار نه تنها امروزیان بلکه آیندگان نیز بدانند.

طلیعه‌دار این شماره عملکرد میرزا محمد ناظم العلماء، اولین نماینده ی نهاوند در مجلس شورای ملی است، که مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای این کار حدود ۶۰۰ صفحه مذاکرات مجلس، که در قطع رحلی و با حروف ریز به صورت ستونی در هر صفحه سه ستون، چاپ و نقش شده است کاملاً بررسی گردید. امید است که در میان این حجم مذاکرات مجلس سخنی از ناظم العلماء از نظر نیفتاده باشد.

### آشنایی با نماینده

در اولین دوره ی مجلس شورای ملی، شهرهای نهاوند، ملایر و تویسرکان فقط می‌توانستند یک نماینده را روانه مجلس نمایند، که این رسالت بر عهده ی میرزا محمد ناظم العلماء گذاشته شد. او اهل ملایر و فرزند حاج محمدجعفر ملایری بود. وی متولد حدود ۱۲۴۰ هـ ش، روحانی و دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی بود.<sup>(۱)</sup> وی یک بار در دوره ی اول مجلس شورای ملی از ۱۷ مهر ماه ۱۲۸۵ تا دوم تیر ماه ۱۲۸۷ و یک بار دیگر در دوره ی چهارم مجلس شورای ملی از اول تیر ماه ۱۳۰۰ تا ۳۰ خرداد ماه ۱۳۰۲ به همراه سید اسماعیل شیخ الاسلام ملایری نمایندگی شهرهای مذکور را که به ولایات ثلاث مشهور بودند، برعهده داشت.<sup>(۲)</sup>

## عملکرد ناظم‌العلماء در مجلس اول

در بررسی مجموعه‌ی مذاکرات یک سال اول مجلس شورای ملی هیچ نامی از ناظم‌العلماء ملاحظه نشد و این بدان معناست که نام‌برده در این مدت نطقی نداشته است تا منشی‌های مجلس به ثبت آن پردازند. البته باید خاطر نشان کرد که ثبت نام افراد در دوره‌های اول ضابطه‌ی دقیقی نداشته است. گاه افرادی را با القاب و گاه با نام کوچک معرفی کرده‌اند. به همین سبب افرادی که با نام «حاج محمد آقا» معرفی شده‌اند همگی مورد نظر نگارنده بوده‌اند و با توجه به این که چندین نماینده نام «محمد» داشته‌اند دقیقاً معلوم نیست به کدام یک اطلاق می‌شده است، اما مطالب مطروحه از سوی این اشخاص هیچ کدام به نهاوند، ملایر و تویسرکان مربوط نبوده‌اند.

البته، آن چنان که در مجموعه‌ی مذاکرات سال دوم هم آمده است در چند موردی که از نماینده‌ی مذکور یاد شده با همان لقب ناظم (نظام) العلماء بوده است، هم‌چنان که نمایندگان بسیار دیگری، هم‌چون سیدالحکماء، معین‌التجار، محقق‌الدوله، عمادالحکماء و ... را نیز با القاب خود نام برده‌اند و این احتمال را، که نام‌برده در سال اول در مذاکرات مجلس شرکت نداشته است، تقویت می‌کند.

به هر حال در حالی که ناظم‌العلماء در سکوتی مطلق به سر می‌برد، در نهاوند حوادثی شگرف جریان داشت که عمدتاً به اقدامات ابوالفتح میرزا سالارالدوله برادر محمدعلی شاه مربوط می‌شد که خود داعیه تاج و تخت داشت. این حوادث آن قدر چشم‌گیر بود که صدای دیگر نمایندگان مجلس را در آورد، اما نه صدای ناظم‌العلماء ملایری را. آقا سیدحسین بروجردی مدیرالاسلام نماینده‌ی قشر آهنگر، نعل‌بند، میخ‌برو ... در جلسه‌ی روز یکشنبه ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ این گونه به موضوع فوق و به نهاوند پرداخته است: «یک تلگرافی از نهاوند رسیده، می‌گویند سالارالدوله یاغی

است، چه طور شد؟ سابق بر این وقتی که بنا می شد بدو تلگراف [می زدند] و او را حرکت می دادند ولی حالا نمی توانند. این ایام جمعی از سوارها را برداشته، رفته هفتاد هزار تومان از رعیت بیچاره نهاوند گرفته است.»<sup>(۳)</sup>

اقدامات سالارالدوله در غرب کشور، به ویژه نهاوند، به پژوهشی جداگانه نیاز دارد که جای پرداختن به آن در این نوشتار نیست.

برای اولین بار، در متن مذاکرات روز سه شنبه هفتم رمضان ۱۳۲۵ ق، که مجلس دومین سال حیات خود را سپری می کرد، نام نظام (ناظم) العلماء به چشم می خورد. در ابتدای این جلسه نماینده ی دیار ما اظهار می دارد: «دکتر ولی الله خان<sup>(۴)</sup>، که یکی از وکلا است و مدتی است به جهت کسالت حاضر نشدند، لایحه نوشته اند و اظهار داشته اند که اگر صلاح دانستند، قرائت شود».

رئیس [مجلس] نیز می گویند: «لایحه [ای] را که جناب دکتر ولی الله خان بنویسند البته قابل ملاحظه و قرائت است.»<sup>(۵)</sup> و بعد تلگرافی از زنجان مبنی بر شکایت و تظلم از دست جهانشاه خان قرائت می شود که احتمالاً توسط ناظم العلماء خودش قرائت شده است. دقت در جمله ی رئیس مجلس بیانگر تفاوت افرادی است که به نمایندگی انتخاب می شوند، یکی لایحه ی ارسالی اش نیز قابل ملاحظه و قرائت است و دیگری...؟

چند روز دیگر، در یازدهم رمضان بار دیگر منشی های مجلس به ثبت نام نظام العلماء پرداخته اند. این بار نیز محققى که در پی بررسی حوادث حوزه ی انتخابیه ی اوست با دل سردی مواجه می شود. مجلس در صدد رأی گیری برای استقراض داخلی یا خارجی برای پرداخت طلب قشون و کارکنان دولت بود و هر نماینده نظر خود را ابراز می کرد. نماینده ی ما نیز پس از سکوت بسیار اظهار می دارد:

«حالا که می خواهید رأی بگیرید، بگذارید برای مجلس دیگر، تا دقت شود.»<sup>(۶)</sup>

دقت در افعال به کار برده شده، به خواننده القا می‌کند که نماینده‌ی دیار ما خود را جزئی از مجلس نمی‌دانسته که افعالش به جای «می‌خواهیم»، «بگیریم» و «بگذاریم» به صورت فوق بوده است.

فقط در مذاکرات روز شنبه اول جمادی‌الاول ۱۳۲۶ است که ناظم‌العلماء به بیان برخی مشکلات حوزه‌ی انتخابیه خود می‌پردازد و این آخرین حضور او در مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای ملی است. او در این جلسه گفته است:

«الآن ملایر و تویسرکان در میان آتش است و الآن تلگراف حضوری از ملایر رسیده، اگر صلاح می‌دانید، اجازه بدهید قرائت شود. تلگراف مزبور قرائت شد و مشعر بود بر این که هر قدر اغتشاش و تاخت و تاز به الوار را عرض کردیم من باب اغتشاش و اختلاف سرحدی جواب به نصیحت داده شد. یا گمان کردید ایالت خرج تراشی کرده و اگر این طور که الوار اجتماع کرده‌اند، چیزی باقی نخواهد ماند. اگر مساعدت حضرت والا نبود تا حال لرستانی چیزی از عرض و ناموس باقی نمی‌گذارد. ما که امنیت نداریم پس برای چه دولت مالیات از ما مطالبه می‌نماید، می‌گویند که خوانین سوار و استعداد بدهند، از کجا استعداد و تهیه بیاورند. خیلی قوه داشته باشند حفظ خودشان را بنمایند و تا سوار و استعداد نباشد، ممکن نیست امنیت حاصل شود.

انجمن ولایتی: تلگرافی از شاهزاده‌ی حکمران، قریب به مضمون ذیل، قرائت شد که قریه‌ی حاجی خدر را غارت کرده‌اند و در این مدت هم از طرف دولت و ملت خبری نشده و عموم علما و تجار و خوانین از من امنیت می‌خواهند و امروز در تلگراف‌خانه حاضرند و من متفکرم به آن‌ها چه جواب بدهم.

ناظم‌العلماء: الآن هم در تلگراف‌خانه هستند و چندین تلگراف هم سابق نموده‌اند

به وزیر داخله، که کمک نمایند و از طرف ایشان هیچ مساعدت نشده، قراسوران که به جهت حفظ راه ملایر معین کرده‌اند، تاکنون چند تلگراف به توسط بنده کرده‌اند و به سردار فیروز هم ارائه شده و تا حال تفنگ فرستاده نشده است.

پس از قرائت تلگراف فوق، که آن را می‌توان اوج عملکرد ناظم‌العلماء در مجلس دانست رئیس مجلس<sup>(۷)</sup> ابراز می‌دارد، که وقت مجلس نباید به خواندن تلگراف‌ها تلف شود، بلکه باید تأکید کند تا قوه‌ی مجریه این گونه امور را درست کند.<sup>(۸)</sup> این در حالی بود که نمایندگان بسیار دیگری به قرائت تلگراف‌هایی از اوضاع حوزه‌ی انتخابی خود می‌پرداختند. از جمله همان لایحه‌ی تلگرافی که ناظم‌العلماء از قول دکتر ولی‌الله خان راجع به زنجان خوانده بود. در هر صورت، دقت در عبارات ابتدای همین مذاکرات نیز، آن جا که نماینده‌ی ولایات ثلاث می‌خواهد اجازه قرائت تلگراف را بگیرد و می‌گوید «اگر صلاح می‌دانید، اجازه بدهید قرائت شود»، حکایت از نداشتن اعتماد به نفس وی دارد و شاید اگر اجازه داده نمی‌شد وی باز سکوت پیشه می‌کرد، حال آن که نماینده‌ای که معتقد است «الآن ملایر و تویسرکان [حوزه‌ی انتخابیه‌اش] در میان آتش است» خود نیز باید هم‌چون آتش گرفته‌ها در صدد داد و فریاد برآید تا دیگران جهت خاموش کردن آتش خانه‌اش به یاری‌اش بشتابند نه این که اجازه بگیرد تا با صدای نحیف به قرائت تلگرافی پردازد که آن هم شاید بیش‌تر به خاطر شاهزاده‌ی حکم‌فرما بود، نه مردم.

امید است در داوری‌های خود نسبت به ناظم‌العلماء به بیراهه نرفته باشیم. شاید این که وی یک بار دیگر در دوره‌ی چهارم هم به نمایندگی مجلس انتخاب می‌شود حکایت از مردمی بودن وی دارد. از کسانی که اطلاعات و اسناد بیش‌تری راجع به وی دارند درخواست می‌شود با ارسال آن‌ها به این فصل‌نامه در تکمیل این بحث بکوشند.

## پی‌نوشت‌ها

- ۱- زهرا شجیعی، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره‌ی قانون‌گذاری؛ مطالعه از نظر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۴۴، ص ۳۷۳
- ۲- متأسفانه درباره‌ی خود ناظم‌العلماء اطلاعات زیادی به دست نیامد. اما در کتاب «شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران» درباره‌ی نوه‌ی وی به اسم احمد ناظمی آمده است که وی در سال ۱۲۹۸ ه. ش در ملایر متولد شد. تحصیلات خود را در دانشکده حقوق (دانشگاه تهران) به اتمام رسانید و وارد خدمت قضایی شد. او دادستانی کرمانشاهان، آذربایجان، ریاست دادگستری اصفهان و دادستانی تهران را برعهده داشت. وی در سال ۱۳۴۸ معاون وزیر دادگستری و بعد مستشار دیوان عالی کشور شد. احمد ناظمی در سال ۱۳۵۷ مدتی استاندار کرمانشاهان و وزیر مشاور و معاون پارلمانی نخست‌وزیر بود. (باقر عاقلی، شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۳، تهران: نشر گفتار با همکاری نشر علم، چ ۱، ۱۳۸۰، صص ۱۶۰۳-۱۶۰۲)
- ۳- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره‌ی اول تقنینیه، (جلسه‌ی روز یکشنبه ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵)، تهران: روزنامه رسمی، ص ۱۶۹. درباره‌ی سیدحسین بروجردی باید گفت که وی یکی از پرتلاش‌ترین نمایندگان مجلس اول بود که تعداد زیادی از صفحات مذاکرات مجلس را به خود اختصاص داده است. او در یکی دیگر از جلسات گفته است: «من در اوایل این مجلس امتحان کردم که مطالبی که در این جا گفته می‌شود، به فاصله نیم ساعت به عرض همایونی می‌رسد، چنان چه عرض سابقم رسید و من قسم خوردم، آن چه صلاح است بگویم (همان، ص ۲۷۷). او شاید توجه نداشت که مطالبش برای همیشه به گوش آیندگان نیز می‌رسد.
- ۴- دکتر ولی‌الله خان نصر دارای تحصیلات عالی در رشته طب و پزشکی بود. او از طرف اصناف تهران به مجلس راه یافته و نمایندگی صنف سلمانی، حمامی، یخچالی، میرآب و آب بند را برعهده داشت.
  - ۵- همان، ص ۳۴۶
  - ۶- همان، ص ۳۵۰
- ۷- ریاست اولین دوره‌ی مجلس شورای ملی را مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله، نماینده‌ی تهران برعهده داشت.
- ۸- همان، ص ۵۷۵